

«لذت نقاشی»

لذت نقاشی یکی دو تا نیست. نقاش جهان را نظام می‌دهد و برای تصویر تصمیم می‌گیرد و با سطحی که ساخته، در دل کسی کاری می‌کند. این همه عاملیت بسیار هم لذت دارد اما آیا می‌تواند انسان خسته و سرگشته را از میان مصیبت‌های جاری پای نقاشی ببرد؟ اشتیاق اصلی قصد به کردن کاری برای دیگری است؛ قصد برای یک گفتگو و برای معرفی که تنها توی نقاشی تولید و تجربه می‌شود.

نقاش تصویر را برای کسی می‌سازد و همین «برای کسی بودن» تصویر برای او تمرینی است تا از خودش عبور کند و جای دیگری را خیال کند. این «برای دیگری گفتن» و «دست از خود شستن» از هر ریّ نقاش بیرون می‌تراود. این نوع میل گوینده را در کلام صفا می‌گویند. گوینده‌ی صافی برای صفای کلامش باید با همه چیز یکی شود و به تکرار بیخود شود و جای دیگر چیزها بایستد: یکبار تن کلام است و لحظه‌ای دیگر زبان واقعه، گاه خواننده است و گاه شنونده و کلامش معجونی است از همه‌ی این‌ها، ولی بهره آن اغلب «دیگر» است و بر «خود» اصراری ندارد.

زیبا رجبی در آرکانزاس در ایالات متحده زندگی و کار می‌کند. آثار او اغلب از مرجعی تصویری مثل منظره‌ی طبیعت بیرون از پنجره‌ی استودیو، خط فارسی و یا کاشی‌کاری قاجار شروع می‌شود. دلیل دل‌بستگی او به این مراجع زیبایی آنها و «حس شعفی است» که در او ایجاد می‌کنند. او همواره مشغول مطالعه‌ی ساختارهایی در این ارجاع‌هاست که بانی این زیبایی هستند و معتقد است با مذاقه در آن می‌توان تا عصب‌شناسی و حافظه‌ی عضلانی پیش رفت. زیبا نظام رنگ‌های کاشی‌ها و وزن هر دور و مد سطری نستعلیق را استخراج می‌کند و در تصویر خود باز می‌آفریند و از این روش دستورالعمل‌های شهودی تولید تصویر را در ارتباط با خودش و بدنش بررسی می‌کند.

طه حیدری هم مثل زیبا در ایالات متحده زندگی و کار می‌کند. او در کالج هنر مریلند درس خوانده و امروز همان‌جا مشغول به نقاشی و تدریس است. ارجاع او اغلب به تصاویر و رسانه‌ی معاصر است و سوال همواره‌اش ارتباط میان کارکرد و ساختمان تصویر است. برای او زیر پوست جلد مجله‌ها و پوسترها و امثالهم نیتی شوم در حال خزیدن و بیرون ریختن است. طه اغوای تاریک این تصاویر را بر ملا می‌کند و با ساختی متفاوت چهره‌ی رسوایشان

را باز می‌سازد. لایه‌های رنگ در آثار طه همواره از لایه‌لای هم پیدا هستند و دسترسی به پس پرده‌ی نقاشی را ساده می‌کنند و جایی برای پنهان شدن جریان شوم داخل تصاویر باقی نمی‌گذارند.

یاسمن نودری نقاش و نویسنده‌ی ساکن تهران است. درگیری او با روندهای تولید و تکامل سطوح از طریق تعامل نقاش با گذشته‌ی سطح است. تاثیر یاسمن بر سطح حاصل گفتگوی بدون وقفه‌ی او با هر ردّی است که از او بر سطح مانده و آثارش گویی نقشه یا زندگینامه‌ی نقاشی در حال تکوینی است که لایه‌لایه روی هم افتاده. شفافیت لایه‌های نقاشی‌های یاسمن تعقیب روند تکامل تصویر را دسترس‌پذیر می‌کند و بیننده را با مشکلات و چاره‌های راه نقاش آشنا می‌کند. یاسمن علاوه بر نقاشی چهار سال است که سردبیر و نویسنده‌ی اصلی اینستاگرام «زمینه» است.

کیارش علیمی ساکن سعادت‌آباد است و همان‌جا در تهران کار می‌کند. در سال‌های اخیر محور اصلی کار او فعل تماشا کردن بوده است. قصد او این است که تصاویری پرکشش بسازد و از طریق شناخت و ایجاد کشش بیننده را به ماندن و ادامه دادن ترغیب کند. کیارش معتقد است هم دعوت به این درنگ کردن در تماشا دعوتی شایسته است و هم نفس طولانی تماشا کردن کاریست خوب. از او در این نمایشگاه نقاشی‌هایی از دو دوره‌ی کاری‌اش آمده است. او در دوره‌ی اول می‌کوشید با صمیمی کردن بیان و اجرای نقاشی بیننده را به ماندن دعوت کند ولی حالا در دوره‌ی کاری اخیرش راه‌های جدیدی را برای این بشارت امتحان می‌کند. او در نقاشی‌های اخیرش مشغول جذابیت‌های بیحد و اندازه‌ی «اینترسکشن»/ درهم‌تنیدگی رنگ‌هاست.

سام سمیعی به آینده‌ی مدیوم نقاشی خوش‌بین است و هر گوشه از کارش پر از تغزلی نقاشانه است. نقاشی‌های سام، پیش از ارجاعات پرتعدادشان به زیر و بالای تاریخ آدم، بشارت به گونه‌ای از معرفت هستند؛ معرفت نقاشانه که در خلال تولید و تماشای نقاشی تسری می‌یابد. برای او سفر چشم و ذهن در نقاشی‌ها، و بین نظرگاه‌های متنوع از تصویری به تصویر دیگر، بیننده را در آدابی دانا و ورزیده می‌کند که در جهان تک‌ساحتی و «فالوسنتریک» امروز راه‌گشای اویند. سام که این آداب را خود از کلام و زندگی فارسی و مواجه‌هاش با دنیای یکسر متفاوت غرب آموخته، پا بیرون از منطق خطی می‌گذارد و در منظومه‌ای سیال از دلالت‌ها گشت می‌زند و نغمه می‌خواند.

“The Joy of Painting”

The joys of painting are not few. The painter brings order to the world, makes decisions for the image, and works the heart with the surface that it has brought to bear. So much agency is joyous, but can it carry the weary and the confused to the canvas? It is for the “other” that the main motivation to work arises. It is a penchant for dialogue, a painterly wisdom now coming forth.

The painter constructs the images for another and this for-other-ness of the image is meant to take her beyond herself, to imagine another place. This wanting-to-tell-it-to-somebody and letting-yourself-be oozes out of every stroke. Where there is this passion for expression, “safā” emerges. For it (safā) to flow, the interlocutor must become transparent, become one with everything, become infinite through repeating herself, and stand in the place of everything: She may become the body of speech or the mouth of an event; she may at times be a reader; a listener at other times; her words are the potion made of all these ingredients, but it's the "other" (and not the "self") that peruses the potion thus brewed.

Ziba Rajabi lives and works in Arkansas, USA. Her works usually start from a visual reference, either a natural scene outside the window of her studio, Persian calligraphy, or Qajar era tilework. The reason for these references is their beauty and the "elated" state they lead to. She keeps studying the structure of these visual references that engender beauty, and believes that by contemplating them she can tap into the neurological layers or the muscular memory of the body. To bring her work forth, she distills the aesthetic essence of traditional tileworks, their geometric order, and the “nasta'līq” calligraphic form, the weight and curve of lines. She follows the instructions of image reproduction intuitively to see their relationship with herself and her own body.

Taha Heydari also lives in the US. He has studied at Maryland Institute College of Art (MICA) and continues to paint and teach there. Visual references in his works are often from contemporary media and images. He is inquisitive about the relationship between the function and structure of image. Underneath the cover of magazines or the veneer of posters, etc. an evil intention is lurking,

overflowing. Taha reveals the dark seduction of these images and reconstructs their revealed cores. Layers of paint are always visible in Taha's paintings and make the canvas more accessible. There are no nooks on his scenes for evil intentions to conceal themselves.

Yasaman Nozari is a painter and writer living in Tehran. She engages with the process of production – how surfaces evolve through the interaction of the painter with the wake of her action on the surface. What Yasaman leaves on the surface is the echo of a conversation. Her works, thus, appear like a map or a visual life-story that form layer upon layer. The evolutionary course of the painting becomes accessible through her transparent strokes, bringing the viewer closer to the painterly solutions and difficulties. Alongside painting, Yasaman is the editor and writer of the Instagram page of Zamineh.

Kiarash Alimi lives in the Sa'adat Abad neighborhood in Tehran where he also has his studio. In recent years, his paintings have been an invitation to the act of “tamasha”. His aim is to create attractive scenes and, through the creation and perception of attraction, to encourage the viewer to stay and continue. Kiarash believes this invitation to stay and to see is wholesome. The very prolongation of seeing is salubrious. In this exhibition he is showing several paintings belonging to various stages of his career. In the initial stage, he drew the viewer in by bringing intimacy to his expression and execution. In his recent works, he is finding new ways of inviting his viewers to attend to seeing; in particular, by delving into the limitless attractions of the intersectionality of his colors.

Sam Samiee is optimistic about the future of the medium of painting. Every corner of his paintings teems with painterly lyricism. Beneath a plethora of references to the history of “homo sapiens sapiens”, paintings of Sam are celebrations of “adab”. In his works, adab manifests as a painterly wisdom that emerges in the process of creating and discovering painting. For him the journey of the eyes and the mind inside the painting, between different views from one image to another, equips the viewer with a ritualized insight that may come to his aid in a monolithic and phallogocentric world. This informed ritual, adab, comes from Sam's affinity with Persian literature and his life in Iran in contradistinction to his life in the West. He steps outside linear logic to prowl and sing in a fluid constellation of references.